

عشقی سازمان بورس را
تبدیل به مانع کرده بود

فردین آقابرگی
کارشناس بازار بورس

پیشتر نیز بنا به روایت‌هایی آقای عشقی از سمت خود استعفا داده بود اما علنی نشد و اکنون دریافت وام‌های نجومی با شرایط ویژه رفتن ایشان را پررنگ‌تر کرد و نشان داد شخص یا اشخاصی که به‌عنوان رئیس، هیئت‌مدیره سازمان بورس و یا افرادی که در شورای عالی بورس انتخاب می‌شوند باید حسن شهرت، تخصص لازم و ویژگی‌های متناسب با آورده کردن خواسته‌های ذی‌نفعان بازار را با شهادت داشته باشند.

در بند ۹، ۱۱ و ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار به صراحت این موضوع را قید می‌کند که وظیفه سازمان بورس و رئیس آن که نماینده هیئت مدیره سازمان است می‌بایست از وقوع تخلفات و تصمیماتی که منجر به خدشه وارد کردن به منافع سهام‌داران است، جلوگیری کند؛ مانند نرخ خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها. حتی در قیمت‌گذاری دستوری که در دست دولت است و بورس کاری نمی‌توانست انجام دهد باید به صورت شفاف و علنی بر خورد می‌شد نه اینکه صرفاً با نوشتن یک نامه و در اتاق‌های سرپسته از بورس دفاع کنند و در نهایت بگویند کاری از دست ما برنیامد.

در دوران تصدی گری آقای عشقی کارنامه بسیار ضعیف را شاهد بودیم و می‌توانم بگویم بیشترین بلایا و تصمیمات ذی‌نفعانه دولت علیه منافع سهام‌داران خرد در بورس اتخاذ شد و هیچ‌گونه ترتیب اثری نیز داده نشد. همچنین در زمان آقای عشقی ممانعت‌هایی در توسعه بازار بورس انجام شد. تشکل‌های خودانتظام که می‌توانستند بلندگوی تریبون‌های قانونی برای استیقای حقوق باشند با مخالفت شدید و سرسختانه ایشان در سازمان بورس مواجه شدند و آقای عشقی اعتقاد داشتند ما به تنهایی از عهده آن برمی‌آیم و لزومی به ایجاد تشکل نمی‌دیدند. اگر مقایسه کنیم، کلیه صنوف و مشاغل نه تنها در یک شهر بلکه در اقصی نقاط ایران یک اتحادیه یا صنف دارند و باید اتحادیه داشته باشند که از منافع آنها دفاع کنند و یا نکات آنها را به تصمیم‌گیران بالادست منتقل کنند اما در زمان تصدی آقای عشقی در سازمان بورس در خصوص اتحادیه مستقل به شدت مخالفت می‌شد تا در کنار دو کانون کارگزاران و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری، منافع صنفی خود را پیگیری و دنبال کنند.

بورس، ذینفعان متعدد، سهام‌داران حقیقی، نهادهای مالی، سب‌دگدانان و مشاوران سرمایه‌گذاری و... دارد که هر کدام برای توسعه بازار سرمایه نباید با مانع سازمان بورس مواجه شوند که متأسفانه در زمان تصدی ایشان خود سازمان بورس به بزرگترین مانع تبدیل شده بود.

در مجموع بنده کارنامه آقای عشقی را نه ضعیف بلکه بسیار ضعیف می‌دانم و اموات جاری که انجام شد جزو شرح وظایف اولیه و بدیهیات سازمان بود. نکته بسیار منفی دیگر کارنامه ایشان، احاطه و تسلط یافتن دولت در بازار سرمایه بود به ترتیبی که حتی سازمان بورس به یک معاونت و یا بخش داخلی وزارت اقتصاد تبدیل شده و جزو دولت محسوب می‌شد. به خاطر داریم در موضوع نرخ خوراک پتروشیمی‌ها وقتی صحبت این شد که حداقل اسامی استفاده‌کنندگان را اعلام کنید، آقای عشقی به شدت اعتقاد داشت که افشای این اطلاعات مشکلی را حل نمی‌کند در صورتی که ذینفعان بازار به حق انتظار داشتند که حداقل این موضوع مورد پیگیری قرار بگیرد اما بنا به خواست ایشان کاری صورت نگرفت.

درست است که در حال حاضر موضوع وام‌های نجومی بهانه‌ای شد که ایشان از سازمان بورس برود اما جا دارد که به‌طور جدی این موضوعات و مطالبات ذینفعان بورس و سهام‌داران پیگیری شود و اگر احیاناً در این زمینه قصوری شکل گرفته مورد پیگیری قرار بگیرد و امیدوارم انتخاب مناسب و اصلاح براساس قانون صورت بگیرد، چراکه برخلاف نص صریح قانون اوراق بهادار که ابتدا باید هیئت‌مدیره سازمان تعیین شود و از بین آنها رئیس انتخاب گردد اما در دوره گذشته به صورتی عمل شده که ابتدا رئیس سازمان بورس انتخاب شده و او هیئت‌مدیره متناسب با سبک و سیاق کاری خود را معرفی می‌کند که یک خلأ قانونی است که امیدوارم این روند متوقف شود و افرادی که دارای حسن شهرت هستند انتخاب شوند.

پایان قصه عشقی

پرونده رئیس سازمان بورس دولت سیزدهم
با مهر وام‌های نجومی بسته شد

۲۱ درصدی را نشان می‌داد اما به یکباره سیر نزولی آغاز شد و تا پایان همان سال ۴۰ هزار واحد سقوط کرد. در پایان بهار سال ۱۴۰۱ شاخص کل بورس به یک میلیون و ۵۳۹ هزار واحد رسید که نشان از بازدهی منفی ۱۲/۶ درصد داشت. این روند در پایان تابستان به یک میلیون و ۳۵۵ هزار واحد و افت منفی ۵ درصد رسید. در پاییز اما شاخص رشد کرد و در پایان آذر به یک میلیون و ۴۹۶ هزار واحد رسید و ۶ درصد صعود کرد. در پایان زمستان سال ۱۴۰۱ نیز شاخص به یک میلیون و ۹۶۰ هزار واحد رسید بود. این روند در سال ۱۴۰۲ نیز ادامه داشت و در پایان آن سال به ۲ میلیون و ۱۹۵ هزار واحد رسید تا بازدهی اسفند به مثبت ۵/۹ درصد برسد.

وضعیت بورس و سهام پاییز سال ۱۴۰۱ چنان آشفته شده بود که خبر استعفاي مجید عشقی نیز به گوش رسید اما گویا شورای عالی بورس با این استعفا مخالفت کرد. پس از آن بود که سازمان بورس از طرحی با عنوان «سهام یار» رونمایی کرد تا فروش سهام را کنترل کند اما این طرح نیز اسیر دستورالعمل‌های دولتی شد و کارایی چندانی نداشت. اعتراضات سهام‌داران بیشتر و بیشتر شد تا اینکه یک بار دیگر موضوع استعفاي عشقی مطرح شد اما در مهر سال ۱۴۰۲ سازمان بورس و پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی تفاهم‌نامه‌ای را امضا کردند که تا به گفته عشقی اراده‌ای ایجاد شود تا به ۵۰ میلیون نفری که درگیر بازار سرمایه هستند کمک شود. هرچند اوضاع بورس از حالت قبل خارج نشد اما در فروردین امسال شورای عالی بورس به ریاست احسان

مجید عشقی به‌عنوان سیزدهمین رئیس سازمان بورس تاریخ اقتصاد کشور پس از افشای وام میلیاردی اعضای هیئت‌مدیره بورس از سمت خود استعفا داد و به جمع یاران رفته دولت سیزدهم پیوست؛ هرچند احتمالاً نام او نه در کنار شهیدان خدمت بلکه شاید هم‌ردیف جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی درج شود.

با استعفاي عشقی بازار سرمایه، روزی مثبت را شروع کرد اما رفته‌رفته هر چه به ظهر نزدیک‌تر می‌شدیم صف فروش دست بالاتر را می‌گرفت. آنچه کارشناسان بازار سرمایه بر آن اتفاق نظر دارند اینکه بیش از تغییر مدیریت بورس، شاخص‌هایی مثل قیمت ارز نیمايي و نرخ بهره بانکی بر بازار اثر دارد.

عشقی دانش آموخته مدیریت دانشگاه امام صادق و دانش آموخته دکترای مالی از دانشگاه پیام نور تهران است. او پیش از این در شرکت‌های تامین سرمایه لوتوس پارسیان و سرمایه‌گذاری نور دنا عضو هیئت‌مدیره بوده و بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت در بازار سرمایه دارد. او از مهر سال ۱۴۰۰ به سازمان بورس رفت تا یکی از شعارهای مرحوم ابراهیم رئیسی که ثبات و آرامش در بورس بود را محقق کند. عشقی در اولین اقدام خود معاون نظارت بر نهادهای مالی، معاون اجرایی و معاون حقوقی را تغییر داد تا طرحی نو دراندازد.

عشقی در حالی بورس را تحویل گرفت که شاخص کل بورس تهران تا خرداد ۱۴۰۰ در حدود یک میلیون و ۱۶۰ هزار واحد بود. با روی کار آمدن دولت مرحوم رئیسی شاخص کل به ۲۴۵ هزار واحد رسید که رشد

احمد بیات کارشناس بازار سرمایه:

بورس دیگر تحمل آقای عشقی را نداشت

منطقی و بجایی نیست و باید همه عوامل را با هم دید. اگر چه همین امروز (شنبه) نیز با شنیدن این خبر شاهد بازار خوبی نیستیم ولی شاید بازار منتظر این است که ببیند رئیس بعدی بورس کیست تا واکنش نشان دهد و این اثر روانی کوتاه‌مدت آن است، در بلندمدت نیز هر فردی که در رأس هیئت‌مدیره سازمان قرار می‌گیرد به‌صورت غیرمستقیم پویایی‌های خود می‌تواند تاثیر مثبت‌بخش‌گذار و مثبت‌تصمیمات خلق‌الساعه دولت را خنثی کند.

«بورس دوسال پیش که آقای عشقی آمد چه انتظاری از او داشت؟»

قطعاً اگر از بازار پرسید عملکرد ایشان را منفی می‌دانند؛ به‌خصوص بعد از حواشی‌ای که درباره ماجرای گرفتن وام پیش آمد، بازار بورس از ابتدای نگاه خوب و خوشی به آقای عشقی نداشت و حاشیه‌ها نیز این نگاه را نسبت به او

مجید عشقی از سازمان بورس استعفا داد؛ اتفاقی که به دلیل شبهه در گرفتن وام از سوی او رخ داد اما حالا باید منتظر روزها و اتفاقات تازه در بورس باشیم. هرچند احمد بیات، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «هم‌میهن» روند این سازمان را مستقیماً به عملکرد رئیس آن مرتبط نمی‌داند اما می‌گوید بورس دیگر تحمل آقای عشقی را نداشت و در مجموع رفتن ایشان را برای بازار بورس اتفاق خوبی می‌داند.

«استعفاي رئیس سازمان بورس چه تأثیری بر روند بازار می‌گذارد؟»

اعتقاد شخصی من این است که روند بازار بورس را نمی‌توان مستقیم به عملکرد رئیس سازمان ربط داد، اگر چه بی اثر نیست به‌رحال تصمیمات و ریزش‌های او در موضوعات مختلف اقتصادی به‌صورت غیرمستقیم اثرگذار است اما اینکه انتظار داشته باشیم با آمدن فلان فرد بازار بورس صعودی و یا نزولی شود، انتظار

منفی تر کرد. در دو سال گذشته بسیاری از عوامل دست‌به‌دست‌هم داد تا شاهد بازار خوبی نباشیم و همه افرادی که در بورس سرمایه‌گذاری کرده بودند متضرر شدند، به همین دلیل انتظار این است که روند تغییر کند و شرایط عوض شود و همه اینها بستگی به این دارد که رئیس جدید سازمان بورس چه کسی خواهد بود. البته بسیاری بعد از تغییر دولت این انتظار را داشتند که در سازمان بورس تغییراتی رخ دهد که شرایط به اینگونه پیش رفت که آقای عشقی استعفا داد.

«پس معتقدید که به‌رحال آقای عشقی باید از سازمان بورس می‌رفت؟»

بله، در مجموع رفتن ایشان را برای بازار بورس اتفاق خوبی می‌دانم. بورس دیگر تحمل آقای عشقی را نداشت، هرچند باز هم می‌گویم به نظر شخص بنده اینکه چه کسی در رأس سازمان بورس باشد را نمی‌توان عامل صدرصدی روند بازار دانست اما به‌رحال یکی از عوامل مهم مؤثر بازار و حفظ منافع سهام‌داران بورس است. با تغییر دولت، بازار و بورس این انتظار را داشت که در سازمان بورس تغییراتی رخ دهد و شاید دولت چهاردهم کمی صبوری کرد که این اتفاق به این شکل بیفتد که افتاد.



مهدی افشانی کارشناس بازار بورس:

عملکرد عشقی شایسته بورس نبود

مسئولان در مواقع بحران حضور ندارند مثلاً در جایی از کشور سیل می‌آید اما مسئول مربوطه می‌گفت به من اطلاع ندادند، در صورتی که مسئولین هستند تا بحران‌ها را حل کنند. متأسفانه در بحران‌هایی که در این مدت در بورس و بازار سهام به وجود آمد خیلی دیر اقدام شد که باعث زیان گردید. مورد دیگر اینکه به نظر رسالت سازمان برای آقای عشقی جانیافته بود و مشخص نبود. درست است که آقای عشقی به خاطر ریزش بورس به مجلس رفت و گزارش داد ولی گفت که من اسم هیچ‌کس را اعلام نمی‌کنم. مستحضر هستید تمام کسانی که در این بازار کار می‌کنند این تجربه را دارند که اگر کوچکترین اشتباهی در روند بورس داشته باشند سریع از سازمان یا آنها تماس گرفته می‌شود و حتی کد آنها مسدود می‌شود اما چطور می‌شود که رئیس سازمان اعلام می‌کند که من نمی‌دانم و نمی‌توانم اطلاعات بدهم، چرا؟ برای من این سوال پیش آمده که آقای عشقی از فرد خاصی طرفداری و حمایت می‌کرده است؟ اصولاً رسالت ایشان نگه داشتن و پویایی بازار بوده و یا سود عده‌ای خاص؟ این موضوع مهمی است که به نظر من کفایتی است و باید در قوه قضائیه بررسی شود. درست است که بحث وام میلیاردی تخلف بوده و اما تیشه اصلی به ریشه سازمان بورس وقتی خورده شد که گفتند نمی‌توانیم اسامی را اعلام کنیم و سوال من این است که چرا نمی‌شد اعلام کنند؟ در نهایت من عملکرد ایشان



را شایسته بازار بورس ندیدم و به آقای عشقی نمره قبولی نمی‌دهم و واقعاً در دوره او بیشترین بحران‌ها را داشتیم و بازار بورس به پایه ثابت مناظرات اقتصادی و سیاسی کشور تبدیل شده بود که این بدترین اتفاق برای بورس است چون ثبات خود را از دست داده بود و اقداماتی که سازمان بورس به عنوان متولی باید انجام می‌داد را از تیم ایشان شاهد نبودیم.

«چند نمونه از بحران‌های دوره آقای عشقی را می‌گویید؟»

در ابتدای حضور ایشان دستورالعملی برای نرخ خوراک آمده بود که شفاف به بازار اعلام نشد و تنها عده‌ای خاص از آن اطلاع داشتند و از بازار خارج شدند و مدت‌ها بعد این دستورالعمل را اعلام کردند که عین تخلف است و نشان داد که بازار شفاف نیست و بازار در دست عده‌ای خاص برای منافع‌شان بود. همچنین بحث ترور آقای هنیه تبدیل به بحران بزرگی برای کشور شد. ما در دوره‌های پیش دیدیم وقتی سردار سلیمانی ترور شد، فردای آن روز سازمان بورس اقداماتی انجام داد که آرامش را به بازار برگرداند اما در دوره آقای عشقی تا دو روز هیچ خبری نبود و بعد از آن یک دستورالعمل صادر شد.

او در دوره خود به مجلس و کمیسیون اصل ۹۰ رفت اما نتوانست از بازار بورس دفاع کند و متولی خوبی برای بازار باشد.

«پس اگر بحث وام هم پیش نمی‌آمد او باید می‌رفت؟»

برآورد من این است که تیم اقتصادی دولت چهاردهم نمی‌توانست با این بازار سهام به جایی برسد. قرار بود مزاد دارایی‌های خودروسازان و بانک‌ها در بورس عرضه شود که هیچ کدام اینها با تیم قبلی که فقط به فکر خودش بود انجام‌پذیر نبود. رئیس بعدی باید خیلی شفاف عمل کند و بداند اگر نامه‌ها و دستورالعمل‌ها بعد از ماه‌ها به گوش بازاری‌ها برسد تخلف است، موضوع دیگر اینکه اعتمادی که از بازار رفته را برگرداند و بورس فردی را می‌خواهد که شهرت خوب و پیشینه مناسبی داشته باشد. همچنین رئیس جدید باید مقید به قوانین و مقررات باشد و از همه مهم‌تر رسالت خود را اعتلای بازار بورس بداند و نه ایجاد درآمد. من امیدوارم تیم بعدی که بر سر کار می‌آید باید بداند به کجا می‌آید و بداند چه کاری باید انجام دهد و آن را درست انجام دهد.